

روایت زندگی غلامحسن حداد، حافظ آواها و نواهای آیینی خراسان که غریبانه آسمانی شد

آخرین جیگی جیگی مشهد

رضا سلیمان نوری

اواخر هفته گذشته بود که در تماس تلفنی دوستی از هجران یکی از چهره‌های خاص فرهنگی و مدافعان هویتی مشهد مطلع شدم، استاد غلامحسن حداد، مردی که اغلب مردم مشهد و حتی بسیاری از فعالان فرهنگی این شهر با نامش غریبه، اما با هنرش آشنا بودند، شاید به همین دلیل هم بود که در مراسم تشییع، تدفین و سپس بزرگداشتش کمتر مسئولی حضور داشت و درست این مجالس همان گونه برگزار شد که

- غریب به اندازه برگزاری یک جشنواره

خیلی از افرادی که این روزها گرد سپیدی به موهایشان نشسته است، در کوچه پس کوچه‌های مشهد قدیم، مطربان دوره گردی را به خاطر دارند که با یک دایره، دوتار و عروسکی (بزی تزئین شده) که می‌قصد نوای «یا ضامن اهورا^(۱)» را می‌خواندند و شاید با این نوا گریسته هم باشند. از طرف دیگر ذهن خاطره شنیده ما مشهدی‌ها پر شده از افسانه مردی دوره گرد به اسم جیگی جیگی که روایت زندگی و حتی مرگش تا ابد به بخشی از تاریخ و هویت این شهر بدل شده است. روایت جیگی جیگی روایت هنرمندانی درویش مسلک و رو گزفته از دنیاست که به دور از های‌وهوی‌های رسانه‌ای، حافظ بسیاری از آداب و آیین‌های شهر بوده‌اند و اگر اردیبهشت سال ۱۳۹۷ و برگزاری نخستین جشنواره بین المللی جیگی جیگی در مشهد نبود، شاید همچنان ناشناخته می‌ماندند، زیرا که تا آن زمان از بین مسئولان فرهنگی شهر فقط مدیران هنری فرهنگ و ارشاد خراسان می‌دانستند در یکی از فرعی‌های محله شهید رجایی مشهد، پیرمردی هنرمند زندگی می‌کند که در جشنواره‌های گوناگون ملی و بین‌المللی حضور داشته و به سه زبان فارسی، کردی و ترکی ترانه‌های محلی سروده خود را خوانده است. ترانه‌هایی که نام اهل بیت^(۲) و به‌ویژه امام رضا^(۳) در سراسر آن موج می‌زند و البته به همین دلیل هم آنان به وی نشان درجه ۳ هنر داده‌اند، اما در این جشنواره بود که همه اهل فرهنگ و هنر فهمیدند اگر کسی باشد که راه‌روش جیگی جیگی، خواننده دوره گرد اما عارف مسلک و فرهنگ دوست دهه‌های میانی سده معاصر مشهد را دنبال کند، آن فرد کسی نیست جز غلامحسن حداد.
دلیلی که سبب شده او نزد مردم و البته اهالی هنر به عنوان «جیگی جیگی معاصر» شناخته شود. لقبی که واقعا براننده استاد حداد بود، زیرا نه تنها در اخلاق و رفتارش هیچ تکلف و خود برترینی نبود، بلکه همیشه آماده خدمت به مردم بود، آن‌چنان که تنها کافی بود از مراسمی مردمی و شاد مطلع شود تا بدون هیچ منتی مانند جیگی جیگی در آن حاضر شود و برای شادی مردم دوتار بنوازد و بخواند و عروسک گردانی کند و صد البته که این برنامه نباید در ماه‌های عزای می‌بود، زیرا که وی چون سلف خود در این ماه‌ها دست به ساز نمی‌زد.

- جیگی جیگی افسانه‌ای مشهد که بود؟

جیگی جیگی مطرب دوره گردی بود که شهر را می‌گشت، دایره می‌زد و مردم قرآن قرآن پول در کاسه‌اش می‌ریختند. زاغه‌نشین بود و زندگی سختی داشت، اما همان قرآن‌ها را هم به فقرا و نیازمندان می‌بخشید. سهم خودش را به اندازه‌ای که بتواند روزگار بگذراند برمی‌داشت. او اعتقادات خاصی داشت. هر وقت از دور

میوه‌فروش‌های دوره گرد

فتو مشهد

مرکز اسناد تاریخ و توسعه شهر، شهرداری مشهد| نیاز به شکل‌گیری فضاهایی برای اقامت مسافران از راه رسیده موضوعی است که به دلیل شرایط خاص مشهد از گذشته‌های دور به آن توجه می‌شده است، چنانچه قدیمی‌ترین هتل فعال کشور(هتل پارس) نیز در این شهر دایر و فعال است، همچنین برابر اسناد، در دوره پهلوی اول ۳۳ مسافرخانه در مشهد فعال بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز روند احداث و تجهیز هتل و مسافرخانه‌ها در مشهد تداوم یافته است و هم‌اکنون تعداد زیادی هتل، مسافرخانه، راترسراو مکان‌هایی از این دست اکنون در این شهر فعال هستند که مجموع آن‌ها بیش از ۵۵ درصد هتل‌های کل کشور را شامل می‌شود. در این بخش به روند شکل‌گیری دو مورد از هتل‌هایی می‌پردازیم که ساختمان‌های عظیمشان به بخشی از خاطرات مشهدی‌ها تبدیل شده است.

- هتل‌های مشهد

اکنون دو ساختمان تحت این عنوان در شهر مشهد فعال است، هتل همای شماره یک مشهد، واقع در خیابان احمدآباد که یکی از قدیمی‌ترین هتل‌های پنج ستاره مشهد است و دیگری هتل همای شماره ۲، واقع در بولوار خیام. در مجموع در کل شهرهای کشور ۵ هتل با نام «هما» فعال است که چنانچه ذکر شد. دو هتل آن در مشهد و باقی به ترتیب در تهران، شیراز و بندعباس قرار دارند . ماجرای وجود این دو هتل هم از این قرار است که، شرکت هتل‌های ایران وابسته به هواپیمایی ملی ایران سال ۱۳۵۱ با سرمایه‌گذاری مشترک هما و بنیاد پهلوی تشکیل می‌شود، اما در ادامه بنیاد پهلوی سال ۱۳۵۳ مشارکت خود را فسخ می‌کند و پس از آن شرکت هتل‌های ایران با صد در صد سهام متعلق به هواپیمایی ملی ایران به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

- سرمایه‌گذاری‌ها در مشهد

پس از انقلاب اسلامی، شرکت هتل‌های ایران، مشهد را به عنوان بهترین محل برای اولین مرحله برنامه گسترش شرکت انتخاب

خودش می‌خواست؛ یعنی در گمنامی و وارستگی.

غلامحسن حداد نام شناسنامه‌ای هنرمندی تواناست که در طول حیاتش، حافظ بسیاری از فرهنگ‌های کهن خطه شمال خراسان و مشهد است، آن‌چنان که بیشتر مشهدی‌ها او را با لقب سال‌های اخیرش یعنی «جیگی جیگی معاصر» می‌شناسند. لقبی که خودبازگوکننده جایگاه فرهنگی اوست، اما بازم‌هم برای آشنایی بیشتر با این هنرمند تازه‌آشیان کرده در قطعه هنرمندان و نام‌آوران بهشت رضای مشهد در ذیل هم از او و هم از جیگی جیگی نخستین خواهیم گفت.

چشمش به گنبد طلای حرم می افتاد سازش را پنهان می کرد و در ماه محرم و صفر هم دست به ساز نمی‌زد. اگر هم‌زمان به دو مجلس یکی متعلق به طبقه ثروتمند و دیگری به طبقه ضعیف جامعه دعوت می‌شد، حضور در مجلس مردم عادی را می‌پذیرفت. هر وقت جمعی کودکان می‌دید بی درنگ به هنرنمایی در آن جمع می‌پرداخت تا لبخند بر لب کودکان بنشاند.
وقتی هم جیگی جیگی فوت کرد جنازه او با یکی از سرمایه‌داران معروف که قرار بود در حرم دفن شود جابه‌جا شد. خانواده مرد ثروتمند وقتی متوجه این جابه‌جایی شدند به‌سرآغ مراجع تقلید وقت ساکن مشهد یعنی آیات عظام، فقیه سبزواری و میلانی رفته و تقاضای نیش قبر و جابه‌جایی مدفونین را کردند، اما ایشان اجازه جابه‌جایی ندادند. بدین گونه جیگی جیگی ساکن همیشگی ایوان طلای صحن انقلاب شد و تا به امروز هم به دلیل مکان خاص دفن به‌رغم چند بار تخریب این محدوده و تقریبا جابه‌جایی تمام مدفونین آن، در همان مکان مدفون است. این دفن یک مطرب دوره گرد در حرم مطهر رضوی در آن دوره باعث شد که تحولی در مشهد ایجاد شود و نگاه‌ها به موسیقی تعدیل پیدا کند. خیلی از نوازندگان که با نام مستعار ساز می‌زدند و هویت خود را پنهان می‌کردند پس از این ماجرا با هویت واقعی خود به اجرای برنامه پرداختند. از آن جمله می‌توان به استاد محمدرضا شجریان اشاره کرد که تا پیش از آن با نام سیاوش بیدگانی در رادیو اجرای برنامه داشت، اما پس از این ماجرا شرایط به‌گونه‌ای شد که پدرش استاد مهدی شجریان که از قاریان وقت قرآن کریم مشهد بود، از واقعیت ماجرا مطلع شد و خسرو آواز ایران از آن به بعد با نام واقعی خود به اجرای برنامه پرداخت.

- پایان داستان

قطعا با خواندن مطالب بالا متوجه اهمیت جایگاه غلامحسن حداد در حفظ برخی یادگارهای هویتی فرهنگی مشهد شده‌اید. یادگارهایی چون دوتارنوازی مذهبی، عروسک گردانی و سرایش اشعار آیینی مناسب با موسیقی که هرچند به ظاهر همه اعمال هنری بوده و هستند، اما دردل خود دنیایی از فرهنگ و آداب و رسوم را دارند و نشستن در پای آن‌ها و دیدن و شنیدنشان مانند یک کلاس کامل آموزش فرهنگ و هویت است. کلاسی که هرچند با رفتن غلامحسن حداد به عنوان آخرین جیگی جیگی زنده اکنون بدون استاد است، اما امید می‌رود با توجه نهادهای بزرگ و کوچک فرهنگی به این وادی هنری در آینده نزدیک، شاهد تولد و فعالیت حدادها و جیگی جیگی‌های بسیاری در شهر باشیم. هنرمندانی که هنر را وسیله‌ای برای گسترش مذهب می‌دانند.



عکس از احمد حسینی اشواراز

نگاهی به زندگی مرحوم غلامحسن حداد

غلامحسن حداد بر اساس آنچه در فضای مجازی ثبت شده، متولد سال ۱۳۱۸ خورشیدی و نوازنده و خواننده موسیقی نواحی خراسان بوده است. وی از سال ۱۳۴۶، فعالیت حرفه‌ای خود را در حوزه موسیقی آغاز کرد و به جز نوازندگی و خوانندگی، مدتی طولانی به ساختن ساز مشغول بوده است. حداد هم‌دوره بزرگانی چون محمدابراهیم شریف‌زاده، ذوالفقار عسگری‌پور، غلامعلی پورعطایی و نورمحمد درپور بوده است، البته این روایت ثبت شده درباره استاد حداد در منابع مجازی بسیار ناقص است، زیرا خودش روایت زندگی‌اش را از ابتدا تا سال‌های پایانی این‌گونه نقل کرده‌است: «متولد چناران هستم. نواختن ساز را از پدرم آموختم. پدرم علی‌بخشی، دوتارنواز قهاری بود و همه او را می‌شناختند. من هم از همان کودکی به دست او نگاه می‌کردم و کم‌کم خودم دوتار را به دست گرفتم. از دوازده سالگی جدی‌تر کار



منبع تصویر: کتابخانه ملی

اولین باری که سینما دیدم

اولین بار که کلمه سینما را شنیدم و از دور، در ورودی آن را دیدم، به این طریق بود که برای غروب هم‌راه خانواده، برای دیدن مادر بزرگ و خویشان، از سمت حرم مطهر به طرف چهارراه کلانتری واقع در خیابان تهران می‌رفتم که از ضلع جنوب غربی میدان معروف به گلکاری خیابان تهران (فکله آب) از دور چشمم به چند فانوس افتاد که در ضلع شمال شرق میدان مقابل در ورودی کاروان‌سرای آویزان و چند عکس بزرگ از آرتیست‌های معروف آن روزگار هم به در و دیوار کنار کاروان‌سرا نصب کرده بودند. از هم‌راهان پرسیدم: آنجا کجاست؟ گفتند: سینما. که در دست روس‌هاست و در این محل فیلم نشان می‌دهند. من در آن زمان (حوالی جنگ جهانی دوم) چون کودکی بیش نبودم، نفهمیدم معنی این کلمات چیست، ولی بعد‌ها بزرگ‌تر که شدم، دانستم‌آن محل قسمتی که در آن روزگار به‌صورت کاروان‌سرا درآمد بود و چند سال بعد هم آن کاروان‌سرا تخریب و به هتل سپید تبدیل شد که هم‌اکنون نیز با همین نام باقی است. داخل آن کاروان‌سرا را من هرگز ندیدم، اما جوری که تعریف می‌کردند، روس‌ها داخل آن سرا یک‌پرده بزرگ پارچه‌ای و سفیدرنگ نصب کرده بودند، آپارات و چند فیلم هم آورده بودند و شب‌ها شروع به نشان دادن فیلم می‌کردند.

برگرفته از کتاب «خاطرات حکمت، اثر محمد حسین تقوی‌گیلانی



سنگ‌نگاره‌های جربت، یادگار عصر مفرغ

درباره تاریخ هنر صخره‌ای خراسان و یکی از نمونه‌های خوب آن



هادی دقیق

در میانه جاده بجنورد به جاجرم، در بخش سنخواست، روستایی است به‌نام «جربت»، هم‌وزن تربت، که بازمانده‌ای دارد از عصر برنز یا مفرغ. کمتر مسافری در این مسیر می‌تواند تصور کند که در عصر مدرن، دارد جایی پا می‌گذارد که روزگاری انسانی از دوره متأخر عصر برنز(بین ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ سال پیش از میلاد مسیح) از اینجا می‌گذشته است، شاهدش هم همین سنگ‌نگاره‌هایی است که در هشت کیلومتری روستای جربت قرار دارد و پر از نقش‌هایی است که انسان دوره تاریخی بر سنگ کنده است تا با آیندگانش ارتباط برقرار کند. البته گمانه‌هایی زده‌شده که احتمالاً یک دوره استقرار از عصر مفرغ در نزدیکی این منطقه یافت شده است که به کاوش‌های بیشتری نیاز دارد. بومی‌های منطقه به سنگ‌نگاره‌های تاریخی جربت «سنگ‌نوشته» می‌گویند، پس از هرکس نشانی سنگ‌نوشته را ببیند، به شما نشان می‌دهد.

ناگفته نماند، سنگ‌نگاری در شرق ایران تاریخی دیرینه دارد و به همین سبب از گستردگی خوبی در سراسر خراسان (من جمله اطراف مشهد مانند طرquیه و شاندیز) برخوردار است و می‌توان برایش نقوش انسانی، گیاهی، حیوانی، نمادین، ابزار و کتیبه از خراسان شمالی و منطقه جربت تا دشت توس خراسان‌رضوی و لاخ‌مزار خراسان جنوبی‌را مثال زد. مجموعه سنگ‌نگاره‌های جربت، اما با ویژگی‌های خاصش، بهمن ۱۳۸۷ ثبت ملی شده است، در نتیجه هرچه از مطالعات این سنگ‌نگاره‌ها بگوییم، کاملاً نوباست و قدمتش نهایت به پانزده سال گذشته می‌رسد.

- هنر صخره‌ای

البته خبر صحت است ندانید، آغاز هنر صخره‌ای آن قدر ناپیداست که می‌توان گفت از وقتی بشر ابزاری برای کندن نقش روی سنگ پیدا کرده است، این هنر رفته‌رفته پا گرفته و به‌مرور حرفه‌ای‌تر شده است، البته درباره هدف و انگیزه نقش‌ها هم هنوز اختلاف فراوان است. شاید بتوان این هنر را رایج‌ترین ابزار انسان ابتدایی در راستای ثبت پیام و خواسته‌هایش دانست که مسیری ارزشمند برای پی‌بردن به فرهنگ و زندگی انسان دوره‌های مختلف تاریخی است، نقش‌هایی که نیاکان ما روی سفال هم برای انتقال پیامشان تصویر می‌کردند. ناگفته نماند که این هنر بیشتر پیش از اختراع خط رایج بوده است، ولی نمونه‌های جدیدتر آن نیز موجود است که البته گاه‌نگاری هم، این‌ها کاری است بسیار دشوار و هرچه از تاریخ آن‌ها بگذریم، درحسب دانش امروز بشر، نسیی است. سنگ‌نگاره‌ها بیشتر به دو شکل رنگین‌نگاره و کنده‌نگاره هستند که نمونه‌رنگین‌نگاره بیشتر در غرب ایران و غارهای استان لرستان کشف شده است. اما در میان کنده‌نگاری‌هایی که در خراسان یافت شده است، جربت از نظر کمیت و کیفیت نقش‌ها و همچنین گاه‌نگاری و استمرارش، دست‌کم از عصر مفرغ تا دوره معاصر، از اهمیتی ویژه برخوردار است.

- نقش‌های سنگ‌نگاره‌های جربت

سنگ‌نگاره‌های جربت در منطقه‌ای قرار گرفته‌اند که از پیش از تاریخ تا دوره اسلامی همواره به‌عنوان گذرگاهی راهبردی بوده است و کوچ اقوام هندو ایرانی در هزاره دوم پیش از میلاد تا حرکت اقوام پارثی در میانه دوره تاریخی و نیز هجوم گاه‌گاه اقوامی مثل کوشانیان، هپتالیان، سلجوقیان، مغولان، تیموریان و… به ایران از همین گذرگاه انجام شده است.

بسیاری از این کنده‌نگاری‌ها به‌سبب رخداد‌های طبیعی مانند رشد گل‌سنگ‌ها، فرسایش یا کندن یادگاری و ایجاد نقش‌های جدید روی طرح‌های قبلی به‌دست مردم محلی و چوپانان از بین رفته‌اند که در حال نابودی هستند. نقش‌های این منطقه با تک‌نقش‌اند یا به‌صورت یک صحنه ترسیم شده‌اند. در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان آن‌ها را به پنج گروه تقسیم کرد: نقش‌های جانوری، انسانی، نمادها و نشانه‌ها، ابزار و وسایل و همچنین کتیبه‌های عربی و فارسی. در این بین، نقش‌های جانوری از همه بیشتر و بعد از آن‌ها، شمار اندکی نقش گیاهی نیز ترسیم شده است. پژوهشگران معتقدند تقریباً همه جانوران نقش‌شده بر این سنگ‌ها، بومی منطقه هستند یا بوده‌اند. این جانوران گاه در ارتباط با انسان، سوارکار یا شکارچی و گاه به‌صورت منفرد طراحی شده‌اند. در نقش این حیوانات پرسپکتیو دیده نمی‌شود و همه به‌شکل تخت ترسیم شده‌اند. همچنین بیشتر آن‌ها به‌جز تعداد اندکی که درحال دویدن، نقش شده‌اند، ساکن هستند.

- نقش پررنگ بزکوهی

چنان که گفته شد، بسیاری از نقش‌مایه‌های یافت‌شده در جربت تصاویر جانوری است که بیشتر آن‌ها به‌بازنمایی «بزکوهی» اختصاص دارد. بزکوهی از نقش‌مایه‌های رایج در همه هنرهای ایران است. بانوجهبه تکرار این نقش در هنر باستانی ایران و نیز جایگاه محوری آن در سنگ‌نگاره‌ها، می‌توان بزکوهی را از جانوران مهم در فرهنگ و هنر باستانی ایران دانست. غیر از تصویر بزکوهی که فراوانی آن به چشم می‌آید، آهو، قوچ، گوزن، شتر دوکوهانه، گرگ و پلنگ نیز به تصویر کشیده شده‌اند. شتر دوکوهانه نیز از آن نقش‌هایی است که به‌ندرت از دیگر مکان‌های هنر صخره‌ای فلات ایران گزارش شده است، ولی در جربت دیده می‌شود. بزکوهی را نیاکان ما در راستای نخستین تجربه برای تولید خوراک، نزدیک به ۱۰ هزار سال پیش اهلی کرده‌اند که این اقدام، از شاخص‌های آغاز عصر نوسنگی و گامی مهم در گذار از دوران گردآوری خوراک است. در جربت نیز این موضوع، روی سنگ‌ها به‌خوبی تأکید شده است.

با این تفصیل، پیداست که اهمیت سنگ‌نگاره‌های جربت چقدر است و لزوم پژوهش درباره آن‌ها و نگهداری‌شان چقدر ضروری است. البته گاه‌نگاری این نقش‌ها هم کاری دشوار است. یکی از روش‌های گاه‌نگاری سنگ‌نگاره‌ها در فضای باز به‌ویژه در اقلیم گرم و خشک، رنگ آن‌هاست که به‌واسطه رسوب انباشته‌شده روی آن‌ها، رنگشان از قهوه‌ای روشن تا سیاه متفاوت است و این را می‌شود در کنده‌نگاری‌های جربت نیز دید. روی هم‌رفته، تاریخی که پژوهشگران برای این نقوش تعیین کرده‌اند، همان دوره مفرغ تا معاصر است و امیدمی‌رود با گذشت زمان و بررسی بهتر و دقیق‌تر آن‌ها رازهای دیگری از آن‌ها کشف شود، رازهایی که حتی پشت نقوش هندسی و گیاهی و انسانی و ابزارش یا نقوش جانوری پرتکرارش نهفته است. در بخشی از این یادداشت از مقاله «شمایل‌شناسی نقش‌مایه بزکوهی در سنگ‌نگاره‌های جربت»، منتشرشده در شماره ۳۶ «نشریه پژوهشنامه خراسان بزرگ» استفاده شده است.